

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیاق سی و دو (۱۸۹ تا ۱۹۶)

آیه ۱۸۹ سوال از اهله است (اهله جمع هلال که هلال ماه منظور است)، جوابی که داده شده: «قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» نشان دهنده میقاتها و وعده‌های زمانیست که برای مردم در نظر گرفته شده برای حج. از جواب معلوم می‌شود سوال به فضای حج مربوط است. این در حالی است که آیه بعدی بحث قتال را مشخص کرده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ.. يُفَاتِلُونَكُمْ». وجه اتصال این دو آیه چیست؟

گویا به پیامبر صلی الله علیه و آله تعریض می‌زنند؛ نمی‌بینی ماه حرام است که دستور قتال می‌دهی؟ برای همین است که خدا می‌فرماید: «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أُوْبَاهِهَا» این بیان خدا در آیه ۱۸۹ جوابی است به سوال تعریض کنندگان. قتال را مستقیم زیر سوال نمی‌برند بلکه از پیامبر صلی الله علیه و آله از اهله می‌پرسند. خدا می‌فرماید: درست نیست که خانه‌ها را از پشت وارد شوید، «وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أُوْبَاهِهَا» یعنی هر سوالی را از در خودش وارد شوید و بپرسید. شما چرا از ماهای حرام سوال می‌کنید؟ مگر پیامبر صلی الله علیه و آله ناآگاه از ماههای حرام است؟ خدا یک جواب اجمالی می‌دهد: «قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» و یک جواب تادیبی هم می‌دهد که «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أُوْبَاهِهَا» این کار را انجام می‌دهد و بعد بحث اصلی را می‌برد به قتال و می‌خواهد بفرماید قتال در راه خدا با کسانی که با شما در ایام حج قتال می‌کنند، اشکال ندارد؛ پس آیه ۱۸۹ مقدمه‌ای است برای بحث جدید که آیات قتال است. از آیه ۱۹۰ تا آیه ۱۹۴ بحث قتال است تا برسیم به «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» باز اینجا یک بحثی داریم؛ تا اینجا بحث قتال بود حالا بحث انفاق چیست؟ «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»؛ در فرهنگ قرآن بحث قتال به بحث انفاق بارها و بارها متصل شده است. شاهدش سوره مبارکه حدید است. می‌فرماید کسانی که به خدا ایمان بیاورند و در راه او انفاق کنند: «آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا»، بعد «آمِنُوا» و «أَنْفِقُوا» را به بحث قتال می‌رساند: انفاق و قتال یک جفت توأم هستند. علتش هم اینست که قتال بدون انفاق برپا نمی‌شود به دو دلیل:

۱- گذشتن از جان در راه خدا یکی از شاخه‌های انفاق فی سبیل الله است.

۲- اینکه قتال فی سبیل الله مستلزم توان اقتصادی است.

پس «أَنْفِقُوا» را با این بیان متصل می‌دانیم؛ عطف به «وَقَاتِلُوا». در آیه ۱۹۰ «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» سرخط امر قتال بود اینجا هم «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» ملحق به بحث قتال است.

اما علت اتصال آیه ۱۹۶ را بیشتر باید توضیح دهیم:

سه تا دستور «وَقَاتِلُوا»، «وَأَنْفِقُوا»، «وَأْتِمُوا». «وَأْتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ» اینکه دیگر بحث حج است، چرا این را به قبل متصل می‌دانید؟ اگر یادتان باشد همان اول سیاق «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» بحثی که آغاز شد، سوال از ماههای حرام بود. این ماهها چیست؟ خدا خواست بفرماید اگر فتنه کردند و دارند با ما قتل می‌کنند، نباید جواب اینها را بدهیم؟ باید دست روی دست بگذاریم؟ پس تا اینجا بحث این بود وقتی کسانی دارند فتنه می‌کنند و مانع تحقق دین خدا می‌شوند؛ «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» مقصود از دین اجرای مناسک حج است. آنها مانع آن هستند و نمی‌خواهند توسط مسلمین انجام شود. قتل در شرایطی بود که مومنین خیال می‌کردند چون ماه حرام است نباید دستور به قتل صادر شود و خدا هم خواست بفرماید تا وقتی فتنه برطرف نشود و دین متعلق به خدا نباشد، ما از این حکم دست نمی‌کشیم. هر کسی بخواهد مانعیت ایجاد کند در مقابل او می‌ایستیم. حالا پایان بخش این سیاق می‌شود: «وَأْتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» خدا می‌فرماید حج و عمره را باید برای او تمام کنید. حالا اگر احصار یعنی محاصره شدید و نتوانستید اصلا بروید، یعنی امکان قتل هم فراهم نشد و حصر را نتوانستید بشکنید، یک حکمی دارد و اگر محاصره برطرف شد و به امنیت رسیدید یک حکم دیگری دارد که در این آیه بیان می‌شود. آیات قبلی در دل همین «وَأْتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ» است که جا پیدا می‌کند و معنا پیدا می‌کند. «أُحْصِرْتُمْ» محاصره نظامی است و «أَمِنْتُمْ» خروج از محاصره نظامی است.

پس دستور «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» جواب اینست: تا کی قرار است ما بنشینیم و آنها مانع حج باشند و ما هم حج نرویم چرا؟ چون اگر حج برویم با ما قتل می‌کنند و در ماه حرام مجبوریم جوابشان را بدهیم، خون و خونریزی در ماههای حرام و در مناطق حرام اتفاق می‌افتد! (پاسخ): دین برای کیست؟ دین مال خداست. قرار است که اینها فتنه‌گری کنند و مانع تحقق دین الهی شوند، ما نباید جواب اینها را بدهیم؟ ما برای اجرای مناسک می‌رویم، می‌خواهیم دین الهی را اجرا کنیم. اینکه آنها مانع تحقق دین خدا می‌شوند، این خودش نوعی اقدام به قتل است و جوابی که ما به آنها می‌دهیم قتل دفاعی است و در ماه حرام اشکالی نیست.

«وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ» هر جا پیدایشان کردید، بکشید آنها را، چه کسانی را؟ کسانی را که با شما قتل می‌کنند. یعنی این ذیل «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» اینهایی که با شما قتل می‌کنند را، هر جا پیدا کردید، بکشید «وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ» مانع‌تان شدند، از همان جا هم شما اخراج‌شان کنید، با آنها درگیر بشوید اجازه ندهید بیرون‌تان کنند، «وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ» چرا اینکار را بکنیم؟ چون «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» اینها فتنه به راه انداختند، درست است شما رفتید ولی اینها فتنه به راه انداختند، اینها کاری کردند شما نتوانید در امنیت، دین خدا را به جای بیاورید. و فتنه از قتل هم سنگین‌تر است، جواب فتنه را باید داد، «وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ» می‌فرماید کنار خود مسجد الحرام شما با اینها نجنگید، اینها را نکشید، مگر اینکه اینها بخواهند با شما آنجا بجنگند، که اگر با شما جنگیدند، همان جا آنها را بکشید، ولو کنار مسجد است باشد، ولو در صحن مسجد است. یک سوال، ما که داریم جواب آنها را می‌دهیم، معنی اش این است که همیشه باید ضد حمله بزنیم؟ یعنی همیشه باید منتظر باشیم که آنها حمله کنند؟ یا نه وقتی دیگر جنگ شروع شد، ما حق حمله هم داریم؟ کدامش است؟ دومی است، بله اصل جنگ را ما شروع نکردیم، آنها شروع کردند، این تمام. اما حالا که جنگ شروع شده است و ما در جنگ هستیم، ما از باب عملیات نظامی ممکن است یک جایی داریم ضد حمله

می‌کنیم، جواب حمله می‌دهیم، یک جای دیگر حمله می‌کنیم. خصوصاً مسجدالحرام، حق تک و حمله مستقیم را شما ندارید، اگر آنها حمله کردند، اینجا می‌توانید جواب بدهید، اینجا فقط ضد حمله.

«فَإِنْ أَنْتَهُوْا» اگر دست کشیدند از جنگ با شما، در همان کنار مسجدالحرام، «فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» در آن صورت می‌توانید اینها را رهاشان کنید، اما قتال تا وقتی که فتنه تمام بشود، یعنی دیگر جرات نکنند هر بار راه ما را ببندند.

در این سیاق فتنه مانعیت از اجرای حج است، رفع فتنه چیست؟ مانع برداشته بشود، حج آزاد بشود، یعنی دیگر برای اجرای حج، خطر جانی مسلمین را تهدید نکند «وَيَكُونُ الدِّينُ لِلَّهِ» چیست؟ حج است، یعنی مصداق دین اینجا این است که حج مال خدا باشد، امکان اجرای حج ابراهیمی آن طوری که خدا می‌خواهد، فراهم بشود. «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهُوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» حالا اگر دست از فتنه برداشتند دیگر مانع‌تان نشدند هیچ جوره اذیت نکردند، آن وقت دیگر، ما در واقع جز به کسانی که به شکل موردی ظلم بکنند، با کلیت جریان دیگر کاری فعلاً نداریم.

«الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ» حالا جمع بندی «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ» است در واقع یک جوایبی، حالا که می‌پرسیدید، بله این ماه‌ها چیست، این هلال‌ها چیست و منظورتان این بود که هلال ماه حرام است چرا داری مجوز جنگ می‌دهید، حالا فهمیدی ماجرا چیست؟ «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ» آنها در شهر حرام با ما قتال می‌کنند، ما هم در شهر حرام جوابشان را می‌دهیم، نه ما نیرویم که آنها با ما قتال نکنند، این راهش نیست، ما می‌رویم آنها هم بخواهند مانع بشوند، با آنها می‌جنگیم، تا وقتی که دیگر جرات مانعیت حج را پیدا نکنند. «وَالْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ» در ماه‌های حرام قصاص در جریان است «فَمَنْ اِعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اِعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ» هر کس به شما تجاوزی کرد، به مثل تجاوزی که درباره شما داشته جواب او را بدهید، «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ».

«وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» حالا برای این قتال، اینکه بتوانیم برویم با آنها درگیر بشویم، ساز و برگ لازم داریم، دست به جیب بشوید این در راه خداست، به هیچ عنوان خیال نکنید که این انفاق این پول خرج کردن برای این مسئله هدر است و پول خرج کردن برای خونریزی در ماه‌های حرام است، «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» یعنی اگر شما انفاق نکنید در راه خدا، عملاً مثل این می‌ماند که خودت را داری به هلاکت می‌اندازی. چند جور مصداق پیدا می‌کند در این فضای ما. یکی اش این است: شما آماده جنگ نمی‌شوی، عملاً چون انفاق نشده، آمادگی ندارید، ساز و برگ نظامی ندارید، مثل رفتن در دهان شیر می‌ماند، خب خودت رفتی خودت را در معرض هلاکت قرار دادی، این چه کاری است؟ با آمادگی بروید، با انفاق فی سبیل الله بروید در صحنه قرار بگیرید، که اگر جنگی هم در گرفت، امکان دفاع و مقابله را داشته باشید. شما بگویید آقا ما نه انفاق می‌کنیم، نه می‌رویم، نه آمادگی ایجاد می‌کنیم برای قتال، نه اصلاً می‌رویم که لازم بشود آنجا قتال کنیم، باز هم یک جور دیگر خودت را به هلاکت انداختی، یعنی دین الهی که بر شما واجب است و باید محقق بشود، شما تعطیلش کردی، و عملاً خودت را به هلاکت معنوی، هم جلوی هلاکت آخرت‌تان را می‌گیرد، «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».

«وَأْتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» حج عمره را برای خدا تمام کنید. شما وارد فرآیند حج عمره شدید، یک اتفاقاتی بیفتد، حتی ساز و برگ نظامی هم جمع کردید، می‌خواستید بجنگید، ولی محاصره شدید و امکان شکستن حصر هم به وجود نیامد. اصل با حج است، این عمره برای حج است.

«فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ» شما حج را رفتید، مثلاً در شجره محرم شدید، دارید می‌روید عمره بجا آورید و بعد هم بمانید تا حج را بجا بیاورید؛ وسط راه آمدند و اردوگاه شما را محاصره کردند، امکان تحرک به شما ندادند و نتوانستید حصار را بشکنید، شد «أَحْصَرْتُمْ». حالا چه کار کنید؟ می‌فرماید: «فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ» قربانی سر جایش است، هر کس به هر میزانی که در توانش است باید قربانی‌اش را انجام بدهد. فقط «وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ» اینکه از احرام خارج نشوید، سرتان را نتراشید، تا وقتی که هدی به محلش برسد. یعنی تا وقتی زمان قربانی برسد، «مَحَلُّ» اسم زمان است. تا وقتی زمان قربانی برسد از احرام خارج نشوید. یعنی فرض کنید شما در ماه شوال یا ذی القعدة یا روزهای اول ذی الحجه رفتید و هنوز چند روز مانده تا ایام حج، محاصره شدید، قربانی هم دارید، به اندازه‌ای که می‌خواستید قربانی کنید گوسفند و گاو و شتر با خودتان آوردید؛ حالا در احرام بمانید تا زمان قربانی برسد، زمان قربانی که رسید می‌توانید قربانی را انجام بدهید و از احرام خارج شوید.

فرمود: «وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ» یعنی اینکه وقتی قربانی وقتش رسید دیگر می‌توانید سرها را بتراشید و از احرام خارج شوید؛ اما «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ» اگر کسی نمی‌تواند سرش را بتراشد، یک مریضی دارد، دردی در سرش دارد که مانع تراشیدن سرش است؛ «فَفِدْيَةٌ» بجای تراشیدن سر می‌تواند یک عوضی در نظر بگیرد؛ «مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسْكَ» مشخص شده یا باید یک تعداد روزه بگیرد، یا یک صدقه‌ای بدهد، یا بعضی گفتند یک قربانی، «نُسْكَ» را تعبیر به یک قربانی مستقلی کردند، یک گوسفندی بکشد بجای تراشیدن سرش لااقل یک کاری کرده باشد، که این بشود مصداق خروج او از احرام.

«فَإِذَا أَمِنْتُمْ» حالا آمدیم و امنیت به وجود آمد؛ «إِنْ أَحْصَرْتُمْ»، «إِذَا أَمِنْتُمْ»، «إِذَا» ظرفیه است، «إِنْ» شرطیه است. یعنی آمدیم و در یک مقطع زمانی امنیت حاصل شد و توانستید بروید؛ درست است شما در محاصره بودید، ولی طبق آیات قبلی مکلف به جنگ هم بودید، آمدیم و جنگ جواب داد، آمدیم و شرایط مهیا شد، ساز و کارتان جمع شد و توانستید اردو را نجات بدهید، توانستید محاصره را بشکنید، یا آنها به هر دلیلی دست از محاصره برداشتند. بالاخره امنیت در مقابل احصار است، یعنی این جریان محاصره شکست و آزاد شدید. حالا چه کار کنید؟ می‌فرماید: «فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ».

«فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ» یعنی اگر محاصره شکست، هر کسی که «تَمَتَّعَ»، تمتع یعنی بهره‌مندی، اصلاً عمره مفرده قربانی ندارد. «فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ» حالا حجتش را که بجا آورد، مانند همه حاجی‌ها: «فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ» آن وقت قربانی‌اش را در پایان حج در روز عید قربان انجام می‌دهد، حالا اگر کسی نداشت قربانی کند.

«فَمَنْ لَمْ يَجِدْ» اگر دوره محاصره طولانی شد و ما هرچه داشتیم مجبور شدیم بخوریم، الان چیزی نداریم، پولمان خرج شد؛ یا ما پول داریم حیوان پیدا نمی‌شود، مشکل پیش آمده؛ به هر دلیلی اگر کسی «لَمْ يَجِدْ» پیدا نکرد

چیزی برای قربانی کردن؛ «فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ» سه روز در خود حج روزه بگیرد، آن سه روز خود حج را به غیر از عید قربان روزه بگیرد؛ «وَسَبْعَةَ» و هفت روز هم، «إِذَا رَجَعْتُمْ» وقتی برگشتید؛ از همین «رَجَعْتُمْ» فهمیده می‌شد کل این احکامی که فرمود برای کسانی است که اصلاً ساکن مسجد الحرام یا مکه نیستند. «تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ» به هر حال ده روز روزه باید کامل شود برای آن کسی که قربانی نداشته که انجام دهد.

«ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» حکمی که گفته شد (از ابتدای «وَأْتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ» تا اینجا) برای کسانی است که حاضر مسجد نیستند، ساکن مسجد الحرام نیستند، زار و زندگی و اهل و عیالشان در مسجد الحرام زندگی نمی‌کند. اما اگر کسی ساکن مکه باشد حج افراد و حج قرآن دارد. برای ساکنین حرم عمره واجب و برای حجاجان وجود ندارد. چون ساکن حرم هستند دیگر ورود به حرم و من الان محرم شدم باید بروم عمره اجرا کنم و اینها را ندارد. عمره در حقیقت جواز ورود به حرم است این می‌شود حج افراد، و آنها حج مفرد به جای می‌آورند. حالا قرآن چیست؟ حج قرآن قربانی دارد، یعنی درست است ساکن هستی، حج باید بجا بیآوری و بعد هم مانند تمام حاجی‌ها قربانی بکنی. افراد هم مانند حج قرآن است، فقط برای اینکه قربانی از گردن طرف برداشته شود، باید به خودش زحمت بدهد و خودش را تا سرحدات حرم برساند، از سرحدات حرم دوباره به سمت کعبه بیاید. در فضای نامنی از اجرای حج؛ اولاً خدا فرمود: وظیفه شما این است برای رفع فتنه با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید، اخراجتان می‌کنند اخراجشان کنید؛ درست است شما نباید بکشید اما اینکه کنار مسجد خواستند شما را بکشند شما حق دارید آنجا هم جواب آنها را بدهید. اینها همه در جای خود اما چون فضای نامنی است احتمال احصار وجود دارد. اگر احصار پیش آمد چه کار کنیم؟ اگر نتوانستیم جواب جنگ آنها را بدهیم، محاصره شدیم، در جای خود ماندیم، آن وقت باید چه کار کنیم؟ آن وقت باید تا رسیدن زمان قربانی در احرام بمانید، بعد قربانی انجام بدهید و سرتان را بتراشید، از احرام خارج شوید. در این فاصله اگر حصر شکست و توانستیم برویم عمره انجام بدهیم و به تمتع برسیم چه؟ نوش جانتان؛ حصر را شکستید یا حصر شکسته شده بنا به هر دلیلی، گروه‌های دیگر ایمانی آمدند و جبهه مشرکین تضعیف شد و حصر شما برداشته شد، یا بالاخره مشرکین کوتاه آمدند؛ هرچه که شد آن وقت می‌روید عمره انجام می‌دهید، به تمتع می‌رسید، منتظر ایام حج می‌مانید و مانند دیگر حاجیان حجتان را بجا می‌آورید.

جمع بندی سیاق:

«يَسْأَلُونَكَ» اول مقدمه بود، بحث اصلی نبود. آنها با سوال از «الْأَهْلِيَّةِ» شروع کردند و آلا مسئله اصلی «الْأَهْلِيَّةِ»

نمود.

بعد که دستور به قتل بود. جمع بندی دستور به قتل این شد: خدا نمی‌خواست تازه اینجا تأسیس حکم قتل کند، می‌خواست بفرماید قتل واجب است حتی در ماه‌های حرام، در صورتی که بخواهند مانع حج شما بشوند. یعنی شما فکر نکنید اگر آنها مانع حج شدند شما نگاه کنید! شما بروید حج بجا بیآورید، قتل کردند، جواب قتل آنها هم واجب است باید جواب آنها را بدهید. «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ» جمع بندی بند دوم است. یعنی در ماه حرام قتل جایز است، برای جایی که مانع می‌شوند

«أَنْفِقُوا» هم یکی از مؤخرات بحث است. یعنی آماده قتل هم باید باشید.

«أَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» این تازه به موضوع بحث پرداخت. یعنی آن قتال را ما برای چه واجب کردیم؟ بخاطر اصالت داشتن حج و عمره‌ای که باید برای خدا اجرا شود. «يَكُونَنَّ الدِّينُ لِلَّهِ»، «أَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ»؛ تا جایی پای «أَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» می‌ایستیم که اگر شما را هم محاصره کردند باید تا خود روز قربانی به مقاومت‌تان ادامه دهید. تا جای ممکن باید صبر داشته باشید، بایستید بلکه حصر شکست، حصر شکست می‌روید عمره و بعد حج بجا می‌آورید. حصر هم نشکست اشکالی ندارد، همانجا قربانی‌تان را انجام می‌دهید و از احرام خارج می‌شوید و برمی‌گردید. دیگر چیزی به گردن شما نیست مثل اینکه حج را بجا آورید، آنها نگذاشتند که بروید و آلا می‌رفتید و اجرا می‌کردید.

بحث اصلی ایجاب قتال و ابهام زدایی از وجوب قتال دفاعی در ماه‌های حرام؛ به چه منظور این قتال واجب می‌شود و ابهام زدایی می‌شود از وجوب قتال دفاعی در ماه‌های حرام؟ به منظور تحقق دین خدا (یعنی برپایی حج) و از بین رفتن فتنه.

آنچه من فهمیدم از سوره مبارکه فسطاط و مواضع دیگر در قرآن کریم، این است که حج نماز امت است. ما یک نماز فرد داریم، فرد باید در طول شبانه روز پنج وعده نماز بجا بیاورد، هیچ مدلی نمی‌شود از آن گذشت، تأکید بر «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ» و امثال اینها مانع از این می‌شود که کسی بتواند راحت از خیر نمازش بگذرد که حالا نشد دیگر! نه از نماز نمی‌شود گذشت. همانطور که فرد نمی‌تواند از نماز بگذرد، امت هم نمی‌تواند از حج بگذرد. حج یک قامتی است که امت می‌بندد. شما ببینید اگر یک چیز معمولی، متوسط، درجه دو و سه بود، خدا راضی به قتال برای تحقق حج نمی‌شد، آن هم در ماه‌های حرام که خدا هیچ طوری راضی به قتال نیست. ماه‌های حرام را خدا قرار داده برای حفظ حرمت جان‌ها، حفظ حرمت همه، ماه حرام است؛ شما در ماه حرام اگر قتل خطئی انجام دهید دیه‌اش دو برابر است، همه اینها می‌فهماند که امروز ما نباید به سادگی از کنار بحث حج بگذریم.